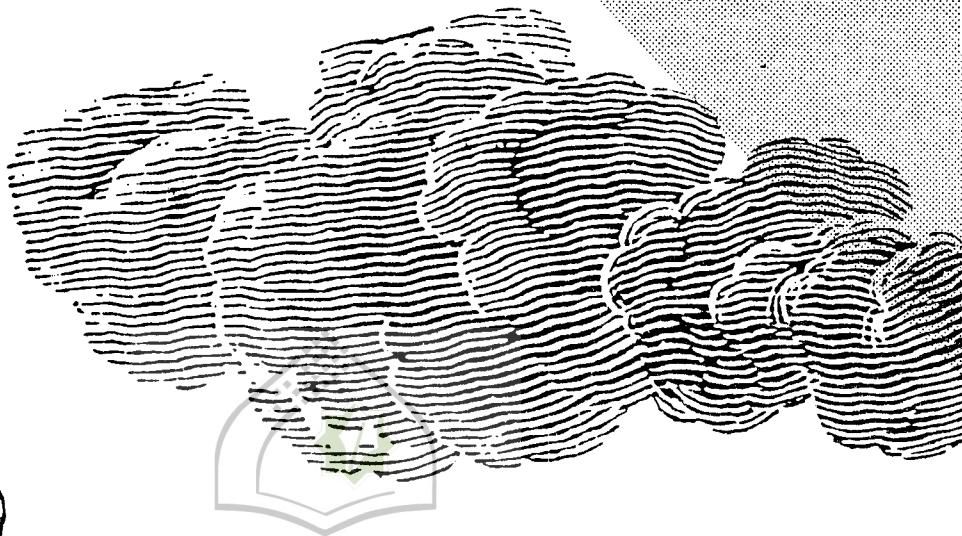


# نگاهی به تاریخ ترکمنها و ترکمنستان تا استیلای روسها



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم سیاسی  
فروزان معین



## مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد پانزده کشور جدید از جمله شش کشور مسلمان در آسیای مرکزی و قفقاز پدیده نوینی را در جغرافیای سیاسی منطقه و جهان ایجاد نموده است. منطقه گسترده جمهوریهای تازه استقلال یافته آسیایی که پس از فروپاشی ابرقدرت شرق، پا به عرصه سیاسی جهان گذاردند که مورد توجه خاص کشورهای منطقه و جهان قرار گرفته است، از یک سو باعث جلب توجه بسیاری از محققان به مسائل مربوط به این کشورها، و از طرف دیگر سبب جلب حکومتها برای استفاده از منابع طبیعی و پتانسیل قدرت کار و سرمایه‌گذاری در منطقه شده است.

از میان این کشورهای تازه استقلال یافته «جمهوری ترکمنستان» به سبب دارا بودن پیوندهای تاریخی و فرهنگی و وجود مرز مشترک آبی و خاکی با کشور ایران، و همچنین به سبب دارا بودن منابع طبیعی غنی و موقعیت مناسب استراتژیکی برای ایجاد روابط نزدیک مابین دو کشور دارای شرایط مناسبتری می‌باشد.

عزم به احیای جاده ابریشم و نیز مذاکراتی که منتهی به ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی نزدیکتری خواهد شد (مانند کشیدن خط

لوله‌گاز ترکمنستان از ایران) نشان دهنده علاقه متقابل دو کشور در گسترش روابط دو جانبه می‌باشد. در این میان نگاهی به پیشینه روابط دو کشور در طول تاریخ سبب دید صحیحتر و درک بهتر ما از شرایط و موقعیت فعلی مناسبات دو کشور خواهد شد. کسانی که با موضوع آشناتر می‌باشند متوجه هستند که در طول تاریخ روابط دو کشور، قرن نوزدهم میلادی جایگاه و اهمیت بخصوصی دارد. قرن نوزدهم برای کشور ما و بخصوص کشورهای آسیای مرکزی از حساسیت بخصوصی برخوردار است. در این زمان روسیه تزاری با سیاستهای جهانگشایی خود که به دنبال وصیتنامه سیاسی پطر کبیر همیشه در مخیله سیاستمداران بعد از او، وجود داشت به پیشروی به سوی آسیای مرکزی پرداخت. این جریان و حرکت سبب تأثیرات و تغییرات عمیقی در سیاست، فرهنگ و باورهای ملل آسیای مرکزی گردید.

### تاریخ ترکها

ترکها که از قبایل کهن قدیمی می‌باشند، در طول گذشته بسیار طولانی خود به صورت ملتی در آمدند که در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا پراکنده شده‌اند. هنگام بررسی تاریخ ترکها متوجه می‌شویم که از لحاظ زمان و مکان و تاریخ، ترکها با اقوام دیگر متفاوت‌اند. نکات مهم در این تفاوت را می‌توان چنین طبقه‌بندی کرد:

- ۱- تاریخ ترکها را به سبب پراکنده و جدا زندگی کردن از یکدیگر و انتخاب راههای مختلف و متفاوت از یکدیگر برای پیشرفت‌شان، نمی‌توان در یک مقطع زمانی مشخص، و به صورت یکپارچه بررسی کرد.

۲ - برعکس ملل دیگر، ترکها قرنهای متعددی به دنبال پیدا کردن اقلیمها، چراگاهها و مناطق جدید و بهتر برای زندگیشان تاریخ قوم خود را در مناطق مختلف به وجود آورده‌اند.

به سبب این دلایل در هر دوره‌ای از گذشته در مکانهای مشخص اجتماع ترکها و اداره و دولتهاشان را می‌توان پی‌گرفت. بنابراین، زمانی که صحبت از تاریخ ترکها به میان می‌آید، منظور یک قوم و یا قبیله که در یک مکان زندگی می‌کنند در یک برهه از تاریخ نیست، بلکه صحبت از کل تاریخ ترکها به صورت یکپارچه می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

## نام ترک

تحقیقات و بررسیهای مختلف نشان دهنده این مسئله می‌باشد که نام «ترک» در اصل نمایانگر نام قومی و قبیله‌ای یک گروه نیست، بلکه یک نام سیاسی می‌باشد. از تأسیس حکومت خاقانی گوک ترک (Gok-TurK Hakanligi) ابتدا این حکومت و سپس ترکهای دیگری که به این امپراتوری وابسته بودند و با نامهای ویژه خود شناخته می‌شدند، این نام را گرفتند و کم کم، و به مرور زمان نام ترک به تمام قبایلی که از نژاد ترک بودند به صورت یک نام ملی اطلاق شد.

قبل از اینکه کلمه ترک صاحب ماهیت سیاسی شود، از یک سند به دست آمده می‌توان فهمید که کلمه ترک به معنای «зор و قدرت» بوده است. در ضمن برای توصیف قبایل آلتایی (Altayi) به صورت صفت، کلمه ترک در یک متن فارسی قدیمی استفاده شده است. به

1. Mehmet Saray, *Turkmen Tarihi*, Istanbul, 1993. s.9.

صورت صفت مثلاً در کلمه (ترک - هون) یعنی هون قدر تمند می‌توان به معنای کلمه ترک پی برد. ولی در هر صورت این امپراطوری «گوگ - ترک» بود که از کلمه ترک به عنوان نام رسمی دولت، و اولین تشکل سیاسی استفاده کرد<sup>(۱)</sup>.

در مورد وطن اصلی یا اولیه ترکها، در دنیای علم نیز عقاید و نظرات متفاوتی وجود دارد. در تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری که اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انجام یافته است و همین‌طور باستان‌شناسان در پی کند و کاوهای مختلف در کل تصویری که از وطن اولیه ترکها به دست داده‌اند به این صورت است:

محققان و تاریخ‌شناسان با تکیه بر اسناد چینی، کوههای آلتای (Altay) و حول و حوش آن را به عنوان اولین زادگاه ترکها پذیرفته‌اند. دانشمندان علم نژادشناسی، مناطق جنوبی آسیای داخلی را به عنوان اولین منطقه پیدایش ترکها، و وطن اصلی آنها نشان داده‌اند. انسان‌شناسان و یا دانشمندان علم مردم‌شناسی، معتقدند که اولین وطن ترکها بین استپهای قرقیز و کوههای تانگری یا تانری (Tian shan) بوده است.

دانشمندان علم تاریخ هنر نیز منطقه بین آلتایی و آسیای شمال غربی، و نیز دانشمندان تاریخ فرهنگ، نیز التای‌ها و صحرای قرقیز و همچنین منطقه جنوب غربی دریاچه بایکال را به عنوان اولین محل سکونت و وطن اصلی ترکها پذیرفته‌اند.

علت اینکه نظریات این چنین متفاوت و مختلف است، این است

1. Saray, ayni eser, s. 10.

(سارای، همان اثر، ص ۱۰.)

که ترکها ملتی بودند که دائم در حرکت بوده‌اند و به مناطق مختلف و متفاوتی رفته‌اند، و هر جا که رفته‌اند از فرهنگ خود تأثیری بجا نهاده‌اند. از سوی دیگر، دانشمندان علم زبانشناسی (زبانشناسان) در طی تحقیقات مختلف‌شان، وطن اصلی ترکها را منطقه‌ای بین کوههای آلتای و اورال و شمال و شمال شرقی دریای خزر پیش‌بینی کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

دریارهٔ حرکت ترکها و انتشار و پیشروی آنها، باید گفت شروع حرکت ترکها و جدا شدن آنها از موطن اصلی از زمانهای بسیار کهن شروع شده و هزاران سال ادامه پیدا کرده است. با اینکه تاریخ دقیق مهاجرت ترکها مشخص نیست، ولی تمام این مهاجرت قبایل همه به قبیل از میلاد می‌رسد. یعنی بنا به برخی نوشه‌ها مهاجرت تمامی قبایل ترک در تاریخی در قبیل از میلاد انجام شده است.

به عنوان مثال قبایل یا گوتو و چوواش که از قبایل ترک می‌باشند به احتمال قوی در تاریخ دوری در قبیل از میلاد از اجتماع اصلی ترک جدا شده، و در منطقه‌ای در شرق سیبری اسکان گزیده‌اند. علت آن نیز این است که زبان آنها به زبان اصلی ترکها، دورترین لهجه می‌باشد و تفاوت‌های زیادی دارد. بخصوص زبان یا گوتها در بین لهجه‌های ترک دارای بیشترین تفاوت‌ها و تمایزها است.

بنا به بعضی تخمین‌ها، گروهی از ترکها نیز با حرکت به سوی غرب در مناطق هموار اطراف رود ولگا در تاریخی حدود ۶ تا ۳ قبیل از میلاد همراه با اسکیت‌ها (iskitler) به زندگی پرداخته‌اند. اولین

1. Saray, ayni eser, s. 10-11.

حرکت گروهی از ترکها به سوی هندوستان مصادف با اولین هزاره قبل از میلاد می‌باشد. این گروه، در بعضی مناطق از جمله حوالی پنجاب و ایندوس دیده شده‌اند.

در زمانهای قبل از آن به احتمالی ترکها از مناطق وسیع و هموار فلات ایران عبور کرده به سوی بین‌النهرین رفته‌اند، و اینها احتمالاً اولین قبایل مدنی تاریخ یعنی سومریها می‌باشند که زیان‌شان از گروه زبانهای سامی بوده، که زبان ترکی نیز جزو آن گروه می‌باشد یا منسوب به آن گروه است. اما در هر صورت، هنوز در دنیای علم، منشأ سومریها و اینکه آیا آنها از آسیای مرکزی و احتمالاً از قبایل و دارای ریشه ترک می‌باشند یا نه، صورت قطعی نیافته است.

در مورد مهاجرت قبایل ترک بعد از میلاد، اینکه کدام گروه از ترکها به این مهاجرت داخل بوده‌اند و ... اطلاعات موثق و دقیقی در دست می‌باشد.

– هون‌ها، از منطقه اورخون به طرف جنوب و مناطق خشک و صحراهای قزاقستان و از اواخر قرن اول تا اواسط قرن دوم میلادی به ترکمنستان و از سال ۳۷۵ میلادی به بعد، به سوی اروپا.

– اووار هون‌ها (Uar-Hun) حوالی سال ۳۵۰ میلادی به جانب افغانستان و شمال هندوستان.

– اوغورها (Ogurlar)، در حوالی سالهای ۴۶۱-۴۶۵ میلادی به سوی جنوب غربی سیبری و از آنجا به جنوب روسیه.

– اُغوزها (= غزها) (Oguzlar) در قرن دهم میلادی به کناره‌های سیحون در منطقه اورخون و در قرن یازدهم از ماوراء‌النهر به سوی ایران و از آنجا به آناتولی.

– آوارها (Avarlar) در اواسط قرن ششم از ترکستان غربی به سوی

اروپای مرکزی.

– بلغارها (Bulgarlar) از سالهای ۶۶۸ به بعد از شمال دریای سیاه به بالکان و اطراف رودخانه ولگا و از ۸۳۰ میلادی به بعد به همراه مجارها و بعضی از ترکها از شمال قفقاز به سوی اروپای مرکزی.

– سیبرها، از نیمة دوم قرن پنجم از شمال آرال به سوی منطقه قفقاز.

– پِچنگ‌ها، کومان‌ها، قبچاق‌ها و اووزها (Uzlar) (که زیرگروه اوغوزها هستند) در قرون نهم - یازدهم میلادی از شمال دریای خزر به سوی اروپای شرقی و بالکان.

– اویغورها از سالهای ۸۴۰ میلادی به بعد از منطقه اورخون به آسیای داخلی مهاجرت کرده‌اند. اینها، بخصوص مهاجرتهای هون‌ها و اوغوزها به علت طولانی بودن مسافت پیموده شده در طول مهاجرت، و هم به علت اثرات تاریخی مهمی که به جا گذاشده‌اند نسبت به بقیه مهاجرتها مهمتر می‌باشدند.

این مهاجرتها که به عزم ایجاد موطنی جدید شروع شده بود، در نهایت با نام فتوحات ذکر و توصیف شده است.

در تاریخ، از شکل دیگرگسترش ترکها به نام نفوذ یاد می‌شود. این شکل مهاجرت، و یا شیوه دیگرگسترش ترکها به این صورت است که گروهی از قبیله‌ای پر جمعیت و اصلی جدا شده، و این گروه، خانواده، یا جوانان قوی بنیه‌ای بودند که از اجتماع خود جدا و در حکومتهای بیگانه برای یافتن کار و حرفة راهی می‌شدند. در این حالت نیز نمونه‌هایی از موفقیت ترکها در کارهای سیاسی یا نظامی دیده شده که این جوانها با وارد شدن در دستگاه حکومتهای بیگانه توانسته‌اند به درجات نظامی بالا نایل شده، و این نیز به سبب استعدادها و

قابلیتهای آنها بوده و حتی نمونه‌هایی در مصر و هندوستان دیده شده که اینها توانسته‌اند در آن اجتماعات بیگانه خود تشکیل دولت و حکومتی دهند.

حال به این سؤال می‌رسیم که اصولاً علت و یا علل مهاجرت ترکها از وطن اصلی چه بوده است؟ چه مسائل و شرط‌هایی قبایل ترک را ملزم و مجبور به مهاجرت کرده است؟ تحقیقات و بررسیها، نشان دهنده این واقعیت است که هیچ قبیله و اجتماع ترک، خود بخود و یا برای ایجاد تنوع و به علل واهمی اقدام به کوچ نکرده است، و همیشه پشت سر هر مهاجرتی سبب‌های مجبورکننده‌ای می‌توان یافت. علت عمدۀ و دلیل اصلی مهاجرتها، مسائل اقتصادی بوده است. مثلاً در مواردی کافی نبودن زمین و مکان مناسب برای ادامه زندگی یا چراگاه‌های کافی، و در مهاجرت هون‌ها خشکسالی وسیع علت جدایی این قبایل از وطن اصلی بوده است، و در مورد اوغوزها از دیاد جمعیت و کمبود مرتع باعث حرکت این قوم به سوی مناطق جدید و به دست آوردن امکانات برای ادامه زندگی شده است.

با از دیاد جمعیت، منطقه‌ای که قبل‌از برای ادامه زندگی کافی به نظر می‌رسید دیگر کفاف گذران زندگی قبیله را از لحاظ کمبود خاک مساعد کشت و یا مرتعه‌ایی برای تغذیه دامها نمی‌داد. و ترکها که از این دامها هم برای مواد غذایی و هم پوشش و ... استفاده می‌کردند، با بروز این کمبودها، در پی چاره‌جویی، شروع به حرکت به سوی مناطقی کردند که از لحاظ این امکانات بسیار غنی و از لحاظ نفوس دارای جمعیت بسیار کمی بودند. امکانات طبیعی فراوان که در دست حکومتها و قبایل همسایه بود، باعث جلب این افراد و قبایل، به سمت مناطق جدید شد.

در کنار عوامل و سببهای اقتصادی، هجوم قبایل مغول کی تان در قرن یازدهم میلادی نیز یکی از علل خارجی بود که سبب حرکت ترکها به سمت مناطق جدید شد. در این مورد عده‌ای از ترکها که اطاعت و انقياد از مغولها را نکرده و آزادی را ترجیح می‌دادند، چشم از وطن پوشیده، به سوی سرنوشت جدید شروع به کوچ کردند. البته مسئله کوچ و مهاجرت هر اندازه که برای یک اجتماع اسکان یافته سخت و غیر عملی به نظر می‌آید، برای گروهی انسان کوچ‌نشین و بیابانگرد به مراتب آسانتر خواهد بود. در مورد ترکها نیز که از اول قبایل بیابانگرد بوده‌اند این مهاجرتها به مراتب آسانتر بوده است.<sup>(۱)</sup>

## تاریخ ترکمن‌ها

ترکمنها همان طور که از آسمشان نیز بر می‌آید از قبایل ترک بوده و مسلمان سنی مذهب می‌باشند. ترکمنها در طول صدها سال تاریخ‌شان به صورت قبیله‌ها و عشاير پراکنده و کوچ‌نشین زندگی کرده و فقط در موارد جنگ گرد هم آمده‌اند.<sup>(۲)</sup> در مورد به وجود آمدن نام ترکمن و معنای آن باید گفت نام ترکمن برای اولین بار در قرن دهم میلادی رایج و مورد استفاده قرار گرفته است. بنا به منابع و مأخذ

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد نام ترک و وطن ترکها و علل مهاجرت آنها رک به:

ابراهیم قفس اوغلو، تاریخ ترک، ج ۱، چاپ دوم، آنکارا، ۱۹۹۲، ص ۱۵-۱۱.

ابراهیم قفس اوغلو، فرهنگ ملی ترک، چاپ پنجم، استانبول، ۱۹۹۸، ص ۵۲.

۲. ابراهیم قفس اوغلو، «نام ترکمن، معنا و ماهیت آن»، یادواره ژان دنی، آنکارا، ۱۹۵۸، ص

اسلامی، اغوزهایی که مسلمان شده بودند، این نام را به آن دسته از اغوزها که مسلمان نشده بودند، داده بودند.<sup>(۱)</sup> ولی همین اغوزهای ترکمن نام گرفته، بعد از پذیرفتن اسلام نیز نام ترکمن خود را حفظ کردند. همان طورکه از نام ترکمن مشاهده می‌شود در نام قبائل دیگر ترک نیز از قبیل کومان (Kuman) پسوند («من» و «مان») (Men-Man) به نام این قبایل در همان قرن اضافه شده است، و قبایل مسلمان شده با این نامها شناخته می‌شدند. نام ترکمن امروزه در معنای محدود متعلق به یک شاخه از ترکها می‌باشد که در جمهوری ترکمنستان کنونی و ایران، عراق، افغانستان، سوریه و آناتولی زندگی می‌کنند. ترکمنها به زبانهای ترکی خراسانی، آذری و استانبولی صحبت می‌کنند و در کنار آن به زبان ترکمنی که زبان اغوزها می‌باشد، نیز تکلم می‌کنند.

نام ترکمن از یک کلمه از زبان اغوزهای ریشه گرفته است که برای بار اول در کتیبه‌ای که در نیمة اول قرن هشتم میلادی نوشته شده و کتیبه «گوک - تورک» نامیده می‌شود، بکار رفته است.<sup>(۲)</sup>

در این کتیبه خاقان «گوک - تورک» از اغوزها به نام خلق من و یا افراد من یاد کرده است. بنا به اطلاعات به دست آمده از کتیبه‌ها، اغوزها به نه شاخه تقسیم می‌شدند، و بنا به بعضی از مأخذ و منابع معاصر، به ۲۴ شعبه تقسیم می‌شده‌اند. نام شعبات اغوزها چنین است: قایی (kayi)، بیات (Bayat)، القه - اولی (Alka-Evli)،

1. Bertelsmann Atlas Ansiklopedi, Verlag Gmb H, Gtershlah / Munich, Almanya, 1993, 2 cilt

۲. ا.م.ن. ارتون، کتیبه‌های باستان ترک، ج ۱، استانبول، ۱۹۴۰، حس ۴۸

قرالاولی (Kara-Evli)، یازر (Yazir)، دوغر (Doger)، ددورقه (Dodurga)، یاپارلی (Yaparli)، افسار (Avsar)، قزیق (Kizik)، بیگدلی (Begdili)، قارقین (Karkin)، بایندور (Bayundur)، بیچنه (Bisene)، چاووندور (Cavundur)، چپنی (Cepni)، سالور (Salur)، ایمور (Eymur)، آلایوندلو (Alayundlu) اوره گیر (Igdir)، ایگدیر (Bügdüz)، بوگدوز (Bügdir)، و ییوه (Yiva).

به گونه‌ای که از منابع به دست آمده تصویر می‌شود، شعبه‌های قوم اغوز در منطقه‌ای وسیع از سیردریا تا خزر و آرال تا خراسان می‌زیسته‌اند. پذیرفتن دین اسلام از طرف اغوزها و ترکمن‌ها و قبول نام ترکمن مصادف با نیمه دوم قرن دهم میلادی تا نیمه دوم قرن یازدهم میلادی می‌شود.

در ابتدا اغوزها دارای رهبر یا خان نبوده‌اند و بجای آن کسی با عنوان یبغو (Yabgu) رهبریشان می‌کرده است که این اطلاعات باز هم از همان کتبه‌های اورخون به دست آمده است. دولتی که اغوزها به رهبری یبغو تأسیس کرده بودند، پایتختش محلی به نام ینی کنت و یا بنگی کنت (Kent: Yengi) در حوالی سیردریا بوده است.

دریاره ورود اغوزها و ترکمن‌ها به صحنۀ تاریخ نیز می‌توان گفت بین اغوزها حادثه ناگهانی اولی که اتفاق افتاد حمله یبغو اغوز به برادران هم‌ژاد و ترکمن خود بود که اسلام را پذیرفته بودند. ولی سلجوق بیگ که بعدها مؤسس سلسله‌ای با نام خود شد، به طرفداری از ترکمنهای مسلمان برخاست و با یبغو جنگید و از ترکمنها دفاع کرد. در نتیجه این جنگ خانگی یا جنگ داخلی بین ترکمنها، ترکمنهای تحت رهبری سلجوق بیگ به سوی غرب خراسان و کناره‌های خزر حرکت کردند. در اثنای این حرکت، افراد تحت رهبری

سلجوق بیگ مجبور به مبارزه با ترکمنهای قبچاق و پچنگ نیز شده‌اند. ترکمنهایی که به سمت خراسان و شمال افغانستان حرکت کرده و در آن مناطق اسکان یافته بودند، بعد از مدتی وقتی که حکومت غزنوی، افغانستان و جنوب ایران را تحت سلطه خود در آورد، در تنگنا قرار گرفته بین این حکومت و دولت قراخانیان که در ترکستان شرقی حکومت می‌کرد، راههای بیرون آمدند از این مخصوصه را جستجو می‌کردند. در نهایت ترکمنها که زیر بار سلطه هیچ کدام از دو حکومت قراخانی و غزنوی نرفتند با رهبری دو برادر بنامهای چغی و طغل غزنویان را در سال ۱۰۴۰ در دندانقان شکست داده و در آذربایجان و قسمتی از منطقه آناتولی امروزه اسکان یافته‌اند. حکومتی که این دو برادر پایه گذاری کردند به نام جدشان سلجوق بیگ «حکومت سلجوقیان» نامیده شد. با تأسیس این حکومت فصل جدیدی هم در سرنوشت خودشان و هم در سرنوشت همه ترکها شروع شد.<sup>(۱)</sup>

امپراتوری سلجوقیان در منطقه بسیار وسیعی بین آمودریا در شرق تا سواحل دریای مدیترانه در غرب گسترش داشته، به صورت حکومت بزرگ و مقتدری در آمد. در ستیز مداوم سلجوقیان با بیزانسی‌ها و صلیبیون در جبهه‌های غرب دیگر فرصتی به آن صورت پیش نیامد که این حکومت به موطن و منشاء اصلی خود یعنی سرزمین ترکمنستان رسیدگی و توجهی بکند. در نتیجه این بی توجهی، گروهی از ترکمنها علیه سلطان سنجر پادشاه سلجوقی بپا خاستند. به دنبال این هرج و مرج، واغتشاشات داخلی، حمله مغول

۱. محمد سارای، تاریخ ترکمن، استانبول، ۱۹۹۳، ص ۱۴۰

باعت تغییرات مهمی در سرنوشت و زندگی حکومت و مردم ترکمن شد. بخشی از ترکمنها در مواراءالنهر خراسان و منقلات ماندند، و بعضی دیگر از ترکمنها در آناطولی و آذربایجان مستقر شدند. بعد از این حادثه سرنوشت ترکمنهایی که در ترکمنستان ماندند، با ترکمنهایی که به خاور نزدیک مهاجرت کردند، از همدیگر جدا شد. در حال حاضر، نوشتن تاریخ کشورهای کنونی ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان به صورت مستقل، کار مشکل و احتمالاً امکان ناپذیری است. زیرا مردمی که تشکیل دهنده این دولتها می‌باشند، یعنی ازبکها، قزاقها، قرقیزها و ترکمنها با اینکه متعلق به عشیره‌ها، قبیله‌ها و شعبات گوناگون و متفاوتی می‌باشند، ولی در کل همه فرزندان یک ملت بوده و بنابراین تاریخ‌شان در واقع مشترک و یکی می‌باشد. در صفحات قبلی نام شعبات گوناگون اغوزها ذکر شده بود و در اینجا تقسیم‌بندیهای متعلق به ترکمنها و قبایل و عشیرتهای عمدۀ را نام می‌بریم: تگه یا مرت، گوکلن، یازر، چاولدور، ساریق، سالور، ارسای، و علی‌الی. از لحاظ حفظ سنتهای ترک، می‌توان گفت ترکمنها سنن و رسوم ترکها را بهتر از دیگران حفظ کرده‌اند و در عین حال به صورت قابل ملاحظه‌ای از دیگر گروه‌ها و قبایل ترک از دمکراسی برخوردار می‌باشند و زندگی دمکراتری نسبت به بقیه دارند.

### قدیمترین اطلاعات مربوط به اغوزها(غزها)

درباره منشأ نام و کلمه اغوز و یا غز عقاید مختلفی ارائه شده است. جی. نیمیث Nemeth J. از دانشمندان مشهور مجار، کلمه اغوز را به صورت (اغوز = اوچ + اوز) Ooguz تحلیل نموده است. بنا به گفته او

اوق (Ok) به معنای اصل و نسب و قبیله می‌باشد و حرف «z» در آخر نیز برای صورت جمع دادن به کلمه می‌باشد که به این صورت کلمه اغوز به معنای قبایل می‌آید.<sup>(۱)</sup> در حقیقت نیر در زمانهای گذشته از متون مختلف از کلمه Ok به معنای قبیله و عشیره استفاده شده است. دولت گوک - ترک غربی که به ده عشیره یا قبیله تقسیم می‌شده است، به نام «on-ok» نامیده می‌شده. یعنی به این ده عشیره یا قبیله «on-ok» نیز می‌گفته‌ند. بنا به اطلاعات موثق که از متون چینی به دست آمده است، اولین امپراطوری قوی و متشکل در آسیای مرکزی توسط قومی به نام هیونگ - نو (Hiung-Nu) تأسیس شده است. این قوم در اصل قومی با منشأ ترک بوده است که از لحاظ علمی نیز ثابت شده است. باز بنا به منابع چینی ریشه قبایل «گوک - ترک»، «اویغور» و «قرقیز» به این قوم یعنی «هیونگ - نو»‌ها می‌رسد که این نیز دلیلی برای اثبات ادعای ترک بودن قوم هیونگ - نو می‌باشد. اگر هیونگ - نوها را به عنوان مؤسسان اصلی دولت ترک در نظر بگیریم این قوم حوالی قرن سوم قبل از میلاد از قدرتی برخوردار شده‌اند که باعث هراس همسایگانشان شده است.

قوم هیونگ نو از بیست و چهار قبیله یا عشیره به وجود آمده بود. در اسطوره اغوز یا غز که در اوایل قرن چهاردهم میلادی نوشته شده است، در مورد «اغوزخان» صحبت می‌کند که اولین امیر و حاکم فاتح ترکها بوده است.<sup>(۲)</sup> بنا به اطلاعات به دست آمده، قوم اغوز به دو

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد نگاه کنید به: حسین . ن. گون: در «رابطه با

اغوزها»، آنکارا، ۱۹۳۵، ص ۴-۵

۲. فاروق سومر: آثار اسطوره‌ای متعلق به اغوزها، استانبول، ص ۳۸۹-۳۵۹.

شاخه راست و چپ تقسیم شده بودند. به شاخه راست، بوزاووق (Bozok) و به شاخه چپ اوج اوچ (Üc-Ok) گفته می‌شده است. قوم یا ایل اغوز نیز، از بیست و چهار عشیره یا طایفه (قبیله) تشکیل شده بود. به کلمه اغوز برای اولین بار در کتبیه‌های «ینی سیی» (Yenisey) برخورد می‌شود. اگر این کتبیه به صورت صحیح خوانده شده باشد، نشان دهنده این است که در زمان نوشته شدن کتبیه قوم اغوز به صورت نقش قبیله در منطقه بارلیک (Barlik yoresi) زندگی می‌کرده‌اند. از روی تخمین، زمان کتبیه حدوداً به اوایل یا اواسط قرن هفتم میلادی مصادف می‌شود. در قرن دهم میلادی در وادی یاتالاس (تلاس) قومی با نام ترکمن زندگی می‌کرده‌اند که این قوم اولین قبیله‌ای از ترکها می‌باشد که اسلام را به عنوان دین خود پذیرفته بودند.

در نیمه اول قرن دهم میلادی جهان ترک به صورت ضعیف و از هم پاشیده شده است. بعد از فروپاشی دولت «گوک - ترک» در آسیای مرکزی ترکها، دیگر نتوانستند حکومت و امپراطوری بزرگ و مقتدر به وجود آورند. بین نیمه دوم قرن هشتم تا نیمه اول قرن نهم، تنها دولت قوی ترک در منطقه اورخون حکومت خاقانی اویغور بوده است. در اوایل قرن دهم اوغوزها در منطقه‌ای بین دریای خزر تا قسمتهای سواحل میانه‌ای سیحون یا سیردریا که شهرهایی به نامهای فاراب و اسفیجان می‌باشد، و همچنین در مناطق خشک و صحرایی شمال سیردریا به صورت پراکنده زندگی می‌کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

سرحدات قلمرو اغوزها از طرف غرب به دریای خزر منتهی

1. Istahri,(Yazilisi 930-3, kaynagi Belhinin yaziliisi 920), s.9, ayrica s. 29.

می‌شده است. در اوایل قرن دهم میلادی مناطق شرقی دریای خزر که تا آن زمان غیرمسکونی بوده و کسی در آنجا زندگی نمی‌کرده است از طرف اوغوزها اشغال شده و در شبہ‌جزیره قراداغ در منطقهٔ شرقی خزر اسکان یافته‌اند که این منطقه از طرف آنها به نام منقشلاق نامگذاری شده است.

مرز اغوزها با کشورهای اسلامی در غرب یعنی کشور خوارزم شهر جرجانیه و بخصوص در قسمت شمالی این شهر روتای جیت «ژیت» (Jit) بوده است. از قصبه‌های دیگر مرزی در جنوب دریاچه آرال شهر باراتکین بوده است.<sup>(۱)</sup>

### ترکمنها از قرن شانزدهم تا استیلای روسيه

ترکمنهایی که در ماوراءالنهر و خراسان ماندند، به همراه شعبات (قبایل) دیگری از ترکها مانند ازیکها، قزاق‌ها، قرقیزها و قره‌قالپاق‌ها ابتدا تحت استیلای مغول و سپس تیموریها به حیات خود ادامه دادند در صورتی که ترکمنهای مستقر در منقشلاق به علت اینکه منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کردند در مسیر راههای عبور لشکریان مهاجم نبود، توانستند تا اواسط قرن هفدهم زندگی راحت و مستقلی را بگذرانند. فقط در سالهای ۱۶۳۹ و ۱۷۰۰ میلادی، هجوم قوم قالموق (kalmuklar) که مغول‌الاصل بودند، مشاهده می‌شود. که این حمله بخصوص با ضربه‌ای که به قزاقها وارد شد شرایط ورود روسها را به آسیای مرکزی سهولت‌کرد. در میان قبایل و قومهای ترکمن که در منطقهٔ منقشلاق زندگی می‌کردند، قویترین و بزرگترینشان ترکمنهای

تکه از قوم سالور بودند که به عنوان پناهگاه به منطقه کوپت داغی عقب‌نشینی کرده، و آنجا را به عنوان پناهگاه امنی انتخاب کردند. در آنجا به همراه قبایل یاموت و ایمزلی و دیگر قبایل ترکمن، گاهی با کمی سیز و اختلاف، زندگی کرده و قویتر شدند.

با قویتر شدن ترکمنها، حکومتهای همسایه آنها یعنی حکومت خانی یا خاقانی خیوه و شاهنشاهی ایران متوجه خطر قوی بودن ترکمنها شده و برای جلوگیری از هر چه بیشتر قوی شدن ترکمنها شروع به اخذ تدبیرهایی علیه ترکمنها کردند.

امیر حکومت خان نشین خیوه یعنی ابوالغازی بهادرخان، برای روی پا نگاه داشتن یا حفظ اتحادیه ازبک - ترکمن خیوه با حمله‌های مکرر، به ترکمنها خسارات بسیاری وارد کرد. ابوالغازی بهادرخان در ضمن مورخ مشهوری نیز بوده که کتابهای تاریخی بسیاری از او برجای مانده است.<sup>(۱)</sup>

ترکمنها هنوز از ضربه‌های غیرمنتظره خیوه قامت راست نکرده بودند که این بار از طرف ایران مورد هجوم و حمله قرار گرفتند. در ایران ترکمنهای افسار زندگی می‌کردند که از بزرگان قوم آنها نادرقلی خان (نادر شاه) توانست در ایران حاکمیت را به دست بگیرد. نادرشاه پس از آن در صدد حکومت بر ترکستان بود و چون ترکمنهای آنجا با این امر به مخالفت پرداختند باعث بروز جنگهایی بین طرفین شد که در این جنگها، نادر شاه بسیار بی‌رحمانه رفتار کرده است.

1. Ebül Gazi Bahadir Han, *secere-i Terakime*, nesr.A.n.kononow, Moskova ve Leningrad, 1958, s.7.Ebul Gazi, Bahadir Han, *A General History of the Turks, Mogols and Tatars*,london.

به طوری که حتی مخدوم قلی شاعر مشهور ترکمنها در شعرهای خود اشارات فراوانی به حمله و غلبه نادر شاه بر ترکمنها می‌نماید.<sup>(۱)</sup>

در نیمة دوم قرن هیجدهم میلادی، ترکمنها که تا حدودی توانسته بودند خود را بعد از حمله‌های خیوه و ایران دوباره بازسازی کنند، برای فرار از فشارهای این دو حکومت به سوی منطقه مرو واقع در ترکمنستان شرقی عقب‌نشینی کردند. با رهبری اُرازانخان (Oraz Han) لیدرشان در کنار رود تجن قلعه تجن را برای حفظ امنیت خویش بنا کردند. ولی با وجود تمامی این تدابیر امنیتی از سالهای ۱۸۳۰ به بعد، حملات خیوه دوباره شروع شد و از طرف غرب نیز با تشویق روسیه، ایران شروع به تهاجم کرد. حرکت و گسترش ایران به طرف هرات با تشویق روسیه بود، علت تشویق ایران به حرکت به طرف شرق از طرف روسها برای جلوگیری از حملات ایران در منطقه قفقاز و آذربایجان شمالی بود که در آنجا ایران با سیاستهای ستیزه‌جویانه‌ای که در قبال مردم ترک آن منطقه به کار گرفته بود، و سپس حرکات خصم‌مانهای علیه گرجستان که به صورت یک حکومت شاهزاده نشین مسیحی بود، باعث شد روسیه که با گرجی‌ها پیمان دوستی امضا کرده بود، در موضوع مداخله کند.

وقتی ایران در هر دو جنگی که با روسیه داشت، شکست خورد، مجبور به امضاء دو معاهده گلستان در سال ۱۸۱۳ و ترکمنچای در سال ۱۸۲۸ میلادی گردید.<sup>(۲)</sup>

امروزه سرحدات ایران را در منطقه قفقاز طبق همین معاهدات

1. *klassiki Turkmenkie Poezii*, Moscow, 1955, s.5.

2. C.H. Rawlinson, *England and Russia in the East*, London, 1895, s. 55-57.

مشخص نموده‌اند که با انعقاد این عهدنامه‌ها حکومت ایران هم از لحاظ خاک و هم نفوس دچار ضایعات بزرگی شد. رجال ایران که تحمل این شکستهای بزرگ را نداشتند، شروع به طرح نقشه‌هایی برای پس گرفتن مناطق از دست رفتہ خود از روسیه کردند. سفیر دولت روسیه در ایران (سمیوینچ) که متوجه وضع روحی رجال ایران و فشارهای واردہ ناشی از انعقاد عهدنامه‌ها با روسیه بود، با گفتن این مسئله که اگر ایران در سیاست گسترش خود در منطقه آسیای مرکزی و ترکستان جدی باشد، دولت روسیه مطابق عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای از گرفتن غرامات از دولت ایران چشم‌پوشی خواهد کرد؛ شروع به تشویق آنها به حرکت و پیشروی به سمت ترکمنستان و هرات کرد. دولت ایران نیز این پیشنهاد را که او را از دادن خسارات و غرامات به دولت روسیه رها می‌کرد و در عین حال با الحاق زمینهای واقع در ترکستان و هرات مقداری از شکست در جبهه غرب، یعنی آذربایجان و قفقاز را جبران می‌کرد، با نظر مثبت ارزیابی کرده و در نتیجه شروع به یک سلسله حملات به ترکمنها کرد.<sup>(۱)</sup> حکومت ایران که با این حمله خود، باعث نقض حقوق بین‌المللی شده بود، اولین حمله خود را به سمت ترکمنهای خراسان انجام داد. حملات ایران بر روی ترکمنها در مناطق شمال و شمال شرق خراسان ادامه یافت. فقط ترکمنها در یکی از مهمترین مناطق گذرگاهی ترکستان که با نام قراقلعه

1. Secret letters and Enclosures from Persia, India office Records, Political and secret Memoranda 9145, 4 nolu vesika, 11 Mart 1830, India Office.

(نامه‌های محترمانه و ضمیمه‌ها و یا پیوستها از ایران، بایگانی دفتر هند، یادداشت‌های سیاسی و

محترمانه ۹۱۴۵ سال ۱۸۳۰، هند).

یعنی قلعه سیاه مشهور است، با دفاع نیرومند خود توانسته بودند از پیشروی ایران در این منطقه جلوگیری کنند.<sup>(۱)</sup>

در این بین قوم یا قبیله تکه که جزو قویترین و پر جمعیت ترین قبایل ترکمن می‌باشد با گردآوری و همراهی چند قبیله دیگر ترکمن شروع به یک دفاع سازماندهی شده علیه ایران کرده، و تا حدودی نیز توانسته بودند در مقابل حملات پیاپی ایران مقاومت کنند. به طوری که در سالهای ۱۸۴۵ و ۱۸۴۸ سپاهی که به رهبری والی خراسان از طرف حکومت ایران فرستاده شده بود را به عقب راندند. ولی با هجوم دولت خیوه از شرق، ترکمنها مجبور به دفاع در دو جبهه شده و شکستهای فجیعی را متحمل شدند. بدین گونه در طول سالهای ۱۸۳۰، ۱۸۴۰، تا سالهای ۱۸۶۰ ترکمنها با دفاع در جبهه‌های جنگ با ایران و خیوه برای حفظ موجودیت خود تلاش می‌کردند. مثلاً در سال ۱۸۵۵ سپاه خیوه به رهبری محمد امین خان ضربه سختی به ترکمنها وارد آورد که گروهی فدایی ترکمن با شبیخون به اتاق محمد امین خان و قتل وی موجب شدند که سپاه خیوه عقب‌نشینی کند.<sup>(۲)</sup> در پی این مسئله، پسر محمد امین خان یعنی عبدالله خان بعد از چهار ماه با تجهیز قوا برای گرفتن انتقام پدر به ترکمنها حمله کرد، در این حمله قوای ترکمن به رهبری کوشید خان با پیروزی بر قوای مهاجم، دشمن را تار و مار کرد و عبدالله خان نیز در صحنه جنگ کشته شد. بعد از جنگ‌هایی که در سالهای ۱۸۵۵-۵۶ اتفاق افتاد، و به شکست خیوه انجامید، حکومت خیوه به ترکمنها حمله نکرد. بعد از

1. P. sykes, *A History of Persia*, London, 1921, II, s. 324.

2. R. G. Watson, *A History of Persia*, London, 1866, p.205-238.

خیوه، دولت ایران نیز در سال ۱۸۵۸ با شکستی که در نزدیکی قراقلعه در منجوق تپه (Mancuk Tepe) از ترکمنها خورد، حملاتش متوقف شد. در اینجا قبایل ترکمن که بعد از جنگ‌های پی در پی احتیاج به امنیت و آسودگی داشتند، بیشتر به هم نزدیکتر شدند.<sup>(۱)</sup> در میان قبایل ترکمن برای ایجاد صلح و از بین رفتن کدورتها و ایجاد نزدیکی و دوستی نمی‌توان از فعالیتها و زحمات نوروردی خان چشم پوشی کرد. از سال ۱۸۶۰ تا ۱۸۸۴ که مصادف با اشغال مرو توسط روسها می‌باشد ترکمنها به صورت مستقل و آزاد توانستند زندگی کنند. در سالهای ۱۸۵۳-۵۶ که روسها در جنگ عثمانی، انگلیس و فرانسه در کریمه شکست خوردنده، متوجه این مسئله شدند که امکان پیشروی و گسترش مناطق نفوذ خود را در منطقه خاورمیانه و اروپا از دست داده‌اند. بنابراین، برای گسترش مناطق نفوذی خود رو به سوی آسیای مرکزی و قیرزیهای شرقی خود نهادند. دولت روسیه با نوسازی و اصلاح سپاه خود، در سالهای ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۰ بدون رعایت حقوق بین‌المللی با دست آویزها و بهانه‌هایی که خود آفریده بود، شروع به اشغال مناطق ترکنشین منطقه آسیای مرکزی در فاصله سالهای ۱۸۶۴ تا ۱۸۷۳ نمود. در طی حملات روسها، به این مناطق ضایعات زیادی به خاننشینهای ترک منطقه وارد شد.<sup>(۲)</sup> و بیشتر از همه خانات خیوه متحمل خسارات شدیدتری شد. همان

1. V. Barthold, *Four Studies on the History of central Asia*, Leiden, 1962, III.p. 167.

۲. برای اطلاعات بیشتر رک به: محمد سارای، مناسبات سیاسی بین دول عثمانی و حکومتهای خاننشین یا خانات ترکستان، استانبول، ۱۹۸۴.

طوری که می‌دانیم حکومت خیوه از ترکمنها و ازیکها تشکیل شده است. هنگامی که در آوریل سال ۱۸۷۳ و ماه می همان سال قوای روسیه خیوه را محاصره کرده بودند، ترکمنها از پایتخت خود قهرمانانه مدافعت کردند ولی در مقابل بمباران شدید روسیه نتوانستند مقاومت بیشتری بکنند و بسوی جنوب عقب‌نشینی کردند. ژنرال کافمن (kaufman) رئیس نیروهای روس طی دستوری که به ژنرال گلوواچف داده بود، قتل عام تمامی ترکمنهایی را که در مقابل قوای روس ایستادگی کرده بودند خواسته بود. قوای روسیه مراکز تجمع و سکونت ترکمنها را یکی به آتش کشیده، و تمام ترکمنها را بدون توجه به زن و مرد، خردسال و بزرگسال بودنشان قتل عام کرده بودند. در میان قوای روس که برای اشغال مناطق ترکمن‌نشین آمده بودند، خبرنگاری آمریکایی به نام مک گاهان Mac.Gahan به عنوان ناظر وجود داشت که در خاطرات خود از قتل عام مردم توسط روسها با نفرت یاد می‌کند. مک گاهان می‌نویسد: «وقتی کاروان قوای پیروز روس از میان تل اجساد ترکمنها می‌گذشت، یک عدد ترکمن تقاضای ملاقات با فرمانده قوای روس را کرده بود. با اجازه فرمانده، گروه ترکمنها پیش ما آمد. وقتی فرمانده از آنها پرسید که چه سؤالی و یا چه کاری دارند این طور جواب دادند: ما تاکنون با روسها هیچ وقت نجنگیدیم. چرا روسها آمدند و کشور ما را اشغال کردند؟ می‌خواهیم سبب این مسئله را بدانیم. فرمانده و سربازهای روس برای این سؤال هیچ جوابی ندادند. شاید خودشان نیز نمی‌دانستند علت این اشغال و جنگ چیست؟»

روسها از لحاظ مادی و معنوی خسارات فراوانی به ترکمنهای خیوه وارد کردند. عده‌ای از ترکمنها حاکمیت روسها را قبول، و

عده‌ای دیگر نیز راضی به حاکمیت روسها نشدند که آنها با عبور از صحرای قره قوم پیش برادران ترکمنستانی خود که در ترکمنستان زندگی می‌کردند، پناه بردند.<sup>(۱)</sup>



مرکز تحقیقات کاپیویر علوم اسلامی

---

1. J. A. Mac Gahan, *Campaigning on the Oxus on the fall of khiva*, London, 1874, s. 359-366.